

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

لوله و لویان

ماش ! ای گولۀ تزویر ، بمیدان تا کی؟
رقص ، بر ساز ستمکارۀ دوران تا کی؟
سینه صدق مرا ، تخمۀ نفرت کشتی
حاصلم سوختی و نقض به پیمان تا کی؟
سالها ما و تو در دیگ وفا جوشیدیم
حیف ، نا پخته زهم گشته گریزان تا کی؟
مکر اغیار ، چه سان ریشۀ تفریق دواند
به کھی ، باختن لؤلؤ و مرجان تا کی؟
ناکسی کس نشود ، زحمت بیهوده چرا
به تن هر خری ، دوزیدن پالان تا کی؟
به جنوب و به شمال و گهی شرق و گهی غرب
بی سبب هر طرفی ، لوله و لویان تا کی؟
گهی از راست کند جلوه ، گهی عشوه زچپ
از پس و پیش ، سر و کله بجنبان تا کی؟
گهی از ده ، سخن گفتن و گاهی ز درخت
زاغ در باغ ، غزلخوان و خرامان تا کی؟
ز غنی خواست خرامد به چمن ، چون کبکی

رفتنش یادِ خودش رفته و، لنگان تا کی؟
 وا، ز قریباغه ، که تقلید کند از ماری
 لَخْکَش درزی و ، بشکسته و ، لرزان تا کی؟
 ماش! در دیگِ بقا پخته اگر می نشوی
 زیرِ دندانِ فناء ، میده و پاشان تا کی؟
 ماش! در خوانِ ادب ، شله شدن فخر تراست
 پیش پایِ رفقا ، مستی و لولان تا کی؟
 ماش! گر دال شوی ، سخت ازان میترسم
 به لباسِ دگری ، جلوه به هرآن تا کی؟
 ماش! ای حامله از نطفهٔ تدلیس و ریا
 ماهِ یک مرتبه ، بی قابله زایان تا کی؟
 ماش! ای کاش ، چو بزغاله ترا ریشی بود
 قیمتِ پشم بلند میشد و ، ارزان تا کی؟
 ماش! ای کاش ترا ، زلفِ چلیپای بود
 شانه بر گیسویِ هر طالبِ نادان تا کی
 ماش! دیگر نبود ، با تو سر و کار مرا
 خرمن هستیِّم از جورِ تو سوزان تا کی؟
 ماش بامانِ خدا ، میروم از شهرِ شما
 جگرم پاره و پر خون شد و بریان تا کی؟
 ماش! منبعِد ، ترا راهی و مارا راهی
 آتش و آب ، به یک دیگ ، دلنگان تا کی؟
 «نعمتا» ماش میز آش ، به هر داش که فاش
 لاشِ تو قاش ، ز پر خاشِ حریفان تا کی؟
